

واکاوی آینده نگاشت انقلاب اسلامی در پرتو سه خوانش ایدئولوژیک، عملگرا و مدنی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵

مرتضی علویان^۱

حسین دوست محمدی^۲

چکیده

پدیده‌های سیاسی از جمله انقلابها، رخدادهای تاریخی‌ای هستند که مانند یک آرگانسیم دارای مراحل تولد، نوجوانی و کسب تجربه، جوانی و نیرومندی، پختگی و تکامل هستند. انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ ایران به عنوان آخرین حلقه از زنجیره انقلابهای قرن ۲۰ در میانه پنجمین دهه عمر خود قرار دارد. این انقلاب دهه‌های آغازین خود را با فراز و نشیب فراوان طی کرد و اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ خود قرار گرفته است. شاید مهمترین چالش پیش‌روی انقلاب اسلامی در این مقطع تاریخی شتاب شگفت‌انگیز تغییرات و دگرگونی در جهان و انسان باشد. پژوهشگران در تحقیق پیش‌رو بنا دارند ضمن بکارگیری رویکرد توصیفی-تحلیلی در چارچوب نظریه اقتناع و دیپلماسی فرهنگی به این پرسش اصلی پاسخ دهند که در صورت‌بندی جدید عرصه جهانی، انقلاب اسلامی برای تضمین بقا، تداوم حرکت و نیل به اهداف خود در چشم انداز آینده باید چه رویکردی را در پیش گیرد و با کاربست کدام رویکرد می‌تواند به این اهداف دست یابد؟ یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی از راه کاربست بازاندیشی در رویکردها و اقتناع افکار عمومی با در نظر گرفتن دو سطح داخلی و خارجی برای آینده می‌تواند شش تصویر متفاوت را فرارو داشته باشد. این تصاویر فرضی تابعی از بکارگیری سه رویکرد ایدئولوژیک، عملگرایانه و مدنی هستند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ایدئولوژی، عملگرایی، رویکرد مدنی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

m.alavian@umz.ac.ir

https://orcid.org/0000-0001-8086-8149

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه مازندران



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

آینده‌پژوهی اگرچه پیشینه تاریخی عمیقی دارد، اما به مفهوم جدید خود در اواسط نیمه اول قرن ۲۰ در ایالات متحده امریکا آغاز شده است. این اصطلاح تاکنون به شکلهای گوناگون از جمله آینده‌پژوهی، آینده‌اندیشی، قلمرو آینده، پیش‌بینی، آینده‌نگری مدرن، فعالیت‌های خود آینده‌نگاری، آینده‌شناسی تعریف شده است (طالبی و نعمتی، ۱۳۹۶: ۱۸). هدف آینده‌پژوهی پیش‌بینی آینده نیست، بلکه پرهیز از تکرار اشتباهات گذشته، رفع نواقص فعالیت‌های زمان حال در آینده و اثربخشی بیشتر و سودمندی بالاتر کنش‌های آینده است. مطالعات آینده باید وسیله‌ای برای پیش‌بینی بحرانهای بالقوه فراهم آورد تا بتوان از آنها دوری کرد یا تأثیرات آنها را محدود کرد (پورعزت و همکاران، ۲۰۰۸: ۸۷). وندل بل آینده‌پژوهی را چنین تعریف کرده است: «آینده‌پژوهی فعالیتی برای کشف یا ابداع، بررسی، ارزیابی و پیشنهاد آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح است.

آینده‌پژوهی فرایندی علمی است که استدلال، انتخاب و اقدام را با هم ادغام می‌کند» (بل، ۱۹۹۷: ۱۱). او قائل به سه رویکرد برای آینده‌پژوهی شامل رویکرد ذهنیت‌گرا، رویکرد واقع‌گرا و رویکرد انتقادی است (حیدری، ۱۳۹۳: ۸۷). از دیدگاه جیمز دیتور آینده‌پژوهی از چهار عنصر تشکیل می‌یابد شامل روندها، رویدادها، تصاویر و اقدامات (حیدری، ۱۳۹۳: ۹۰). آینده‌پژوهی آینده را متعین، محتوم و قطعی نمی‌داند، بلکه آن را بدیل متصور می‌کند. آینده‌های بدیل حالت‌هایی از آینده هستند که با توجه به شدت و ضعف عوامل سازنده آنها می‌توانند به صورت جایگزین هم پدید آیند (حیدری، ۱۳۹۳: ۸۵). آینده‌پژوهی حاصل فراگشت سه نیروست شامل وزن گذشته، فشار حال و کشش آینده و البته منظور از آینده تنها یک آینده نیست بلکه ما در آینده‌پژوهی حداقل با سه آینده مواجه هستیم؛ آینده ممکن، آینده محتمل و آینده مطلوب (محمودی، ۱۳۸۵: ۷).

سؤال اصلی که در این تحقیق قصد پاسخگویی به آن داریم این است که در صورت‌بندی جدید عرصه جهانی، انقلاب اسلامی برای تضمین بقا، تداوم حرکت و نیل به اهداف خود در چشم انداز آینده باید چه رویکردی را در پیش گیرد؟ فرضیه ما در تحقیق پیش‌رو این است که با توجه به تغییر پارادایم حاکم بر فضای سیاسی جهان و تغییرات عمیق جامعه جهانی می‌بایست از خوانش «ایدئولوژیک» از مبانی و اهداف انقلاب اسلامی به دوره قرائت «مدنی» از آرمان‌های انقلاب اسلامی رسید و راه عبور از خوانش ایدئولوژیک به قرائت مدنی نیز کاربست راهبرد «عمل‌گرایی» است. پژوهشگران تلاش دارند در این مقاله ضمن کاربست رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب نظری تلفیقی اقناع/دیپلماسی فرهنگی منابع مورد نیاز خود را از طریق کاربست روش اسنادی و کتابخانه‌ای از میان منابع موجود بویژه کتابها، مقالات پژوهشی و ترویجی، مصاحبه‌ها و تحلیل‌های صاحب‌نظران تأمین نمایند.

پیشینه پژوهش

محمد رحیم عیوضی در مقاله «آینده انقلاب اسلامی و منازعات آینده جهان» منازعات آینده جهان را در هفت دسته؛ اهمیت روزافزون اطلاعات، علم و تکنولوژی، حوزه انرژی، رشد اقتصادی، ایدئولوژی، امنیت انرژی و خاورمیانه طبقه‌بندی نموده و به تبیین جایگاه انقلاب اسلامی در هر کدام از این منازعات پرداخته است. در اثر دیگر محمد جواد هراتی و مسعود معینی‌پور در مقاله «سناریو نویسی و آینده حیات سیاسی انقلاب اسلامی ایران» ابتدا به موضوع راهبردی تداوم انقلابها اشاره می‌نمایند سپس ضمن اشاره به نظریه‌های متعدد در خصوص نحوه ادامه، تحولات مراحل و دگر دیسی انقلابهای جهان به سه سناریوی محتمل پیش‌روی انقلاب اسلامی می‌پردازند.

در پژوهشی دیگر محمد رحیم عیوضی و همکاران در مجموعه «مطالعات پشتیبان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ آینده پژوهی انقلاب اسلامی» به سه دسته از چالشهای پیش‌روی انقلاب اسلامی شامل: چالشهای ملی، چالشهای منطقه‌ای و چالشهای بین‌المللی می‌پردازند که از عوامل مؤثر بر آینده نگاشت انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. محمد جواد ابوالقاسمی و مهدی مؤیدی در کتاب «انقلاب اسلامی، اهداف دیروز، آسیبهای امروز و راهبردهای فردا» ضمن اشاره به ۶۷ مورد از آسیبهای احتمالی پیش‌روی انقلاب اسلامی به ۸۶ راهکار عملی اشاره نموده‌اند که به زعم نویسندگان با اجرای آنها می‌توان از آینده انقلاب اسلامی آسیب‌زدایی کرد.

نوآوری پژوهش

رویکرد پژوهش‌های فوق در مطالعه آینده انقلاب اسلامی خردنگر است، بر مصادیق عینی تهدیدهای پیش‌روی انقلاب اسلامی متمرکز شده‌اند و از بُعد کلان مسئله یعنی جنبه‌های ذهنی و دگر دیسی فکری جامعه و تولد خوانشهای جدید از اصول انقلاب اسلامی و نسبت این خوانشها از انقلاب اسلامی و آثار این قرائتها بر سیاست‌گذاری کلان انقلاب اسلامی با آینده نگاشت آن و زمینه‌های فرصت‌سوزی و تهدیدزایی غفلت ورزیده‌اند. همچنین بین گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی خط سیر مشخصی را ترسیم نموده و ریشه تهدیدهای آینده را در گذشته نکاویده‌اند. علاوه بر آن تأکید عمده ایشان بر تهدیدهای برونزاست، در حالی که بر پژوهش حاضر این پیشفرض حاکم است که ریشه تهدیدهای برونزا در دل تهدیدهای درونزا قرار دارد. در این تحقیق تلاش می‌شود بین سه خوانش عمده در تاریخ انقلاب اسلامی و اثری که بر بقاء و تداوم آرمانهای آن در آینده دارند و فرصت‌ها و تهدیدهای هر خوانش نسبتی منطقی برقرار گردد و نتایج هر کدام به صورت جداگانه مطرح و بررسی شوند.

چارچوب نظري

از آنجاييکه انقلاب اسلامي به عنوان پدیده‌ای سياسي در دو بُعد داخلي و خارجي اثرگذار است و متعاقباً از اين دو عرصه نیز اثر می‌پذیرد تحولات آن نیز باید در دو عرصه مورد توجه قرار گیرد و آینده انقلاب اسلامي نیز در دو سطح ملي و فراملي ترسيم گردد. به همين دليل ناگزير از کاريست چارچوب نظري تلفيقي هستيم. از اين روی پژوهشگران جهت ترسيم آینده نگاشت انقلاب اسلامي در عرصه داخلي از نظريه اقتناع^۴ و جهت تحليل آینده انقلاب اسلامي در عرصه خارجي از نظريه ديپلماسي فرهنگي بهره‌برداري نموده‌اند.

نظريه اقتناع: چنانچه اقتناع را که همان رضایتمندی دروني مخاطب است هدف هرگونه ارتباط بدانيم می‌توانيم آن را یک ارتباط دو سويه مثبت یا «ارتباط متعالي» بناميم (متولي، ۱۳۸۴: ۷۴). به عبارتي اقتناع عبارت است از تلاش صادقانه برای مجاب ساختن مخاطبين به پذیرش موضوع و خواسته‌ای به وسيله ارائه مناسب اطلاعات (متولي، ۱۳۸۴: ۷۳). منظور از اقتناع همراه کردن مخاطب با گوینده است تا سخن گوینده را تأیید کند (مجد و غلامی شعبانی، ۱۳۹۸: ۱۸۰). هدف نهایي اقتناع اين است که مخاطب را قانع و راضي کند که آنچه می‌شنود مطابق میل او و به نفع اوست. اقتناع به ترتيب با پنج واژه کلیدی سر و کار دارد شامل باور، ارزش، انگیزه، گرایش و رفتار (صفایی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۵) هدف نهایي آن نیز تغییر رفتار است. مستند به تجربه زیسته بشر نخستین عرصه‌ای که فن اقتناع در آن به کار گرفته شده عرصه سياست بوده است (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۹۶). ارتباط اقتناعی زمانی موفق خواهد شد که دارای شرايطی باشد از جمله: خيرخواهی، صداقت، تعادل، صراحت، منفعت، تعامل دو سويه، زبان مشترک، ابزار مناسب، همترازی و... (صفایی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶).

ديپلماسي فرهنگي: انقلاب اسلامي در عرصه خارجي همزمان در سه سطح دولتها، ملتها و نهضتها/ جنبشها اثرگذار بوده است (حشمت‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۰). در عرصه خارجي معمولاً از دو ابزار ديپلماسي رسمي و ديپلماسي عمومي استفاده می‌شود. رویکرد ديپلماسي عمومي به شقوق مختلفی تقسيم می‌شود که مهمترين آنها «ديپلماسي فرهنگي» است. ديپلماسي فرهنگي در تعريفی اجمالی عبارت است از مبادله اندیشه‌ها، انگاره‌ها، ایده‌آلها، اطلاعات، هنر، دانش، باورها و سنت‌ها که وسيله ارتباط بين ملتها و کشورها محسوب می‌شوند (سيمبر، ۱۳۹۷: ۲۷۴ به نقل از ميلتون کامينگز). در تعريفی ديگر ديپلماسي فرهنگي حوزه‌ای از ديپلماسي است که به برقراری توسعه و پيگيري روابط کشورها با یکدیگر از طريق فرهنگ، هنر و آموزش تأکید دارد (صالحی اميري و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۱-۱۱۰). اما باید دانست که در ديپلماسي عمومي بويژه در ديپلماسي فرهنگي

برعکس دیپلماسی رسمی که دولتها محوریت دارند شهروندان، جامعه هدف را تشکیل می‌دهند. لذا دیپلماسی فرهنگی به یک کشور این امکان را می‌دهد تا فرهنگ، جامعه و مردم خود را به دیگران معرفی کند و از طریق افزایش ارتباطات بین مردم کشورها زمینه‌ای فراهم نماید که طی آن ایده‌آلهای سیاسی خود را به شکلی جذاب ارائه کند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۱). شاید گویاترین تعریف از دیپلماسی فرهنگی این تعریف باشد: «دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدنها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است» (خانی، ۱۳۸۵: ۲۲۷-۲۲۶). به بیان دیگر دیپلماسی فرهنگی فرایندی است که در آن مردم یا دولت یک کشور، مردم کشورهای دیگر را به وسیله فرهنگ مخاطب قرار می‌دهند (جعفری هفت‌خوانی و کوهکن، ۱۳۹۸: ۳۹).

مدل مفهومی پژوهش

در این مدل با محوریت انقلاب اسلامی سه عصر گذشته، حال و آینده در نظر گرفته شده‌اند. در زمان گذشته برای کسب پیروزی و استقرار نظام جدید، غیریت‌سازی و ایجاد فضای دوقطبی به نیت سرنگونی نظام پادشاهی از طریق کاربست قرائت ایدئولوژیک از گفتمان انقلاب اسلامی ضروری می‌نمود. در زمان حال برای ادامه بقا و امنیت نظام بکارگیری خوانش عملگرایانه اولویت می‌یابد اما در زمان آینده که نظام از مراحل استقرار، بقا و امنیت با موفقیت عبور کرده است، با هدف توسعه و صدور انقلاب رویکرد مدنی و سیاست فرهنگی را در پیش خواهد گرفت، لذا با توجه به تقسیم آینده به سه نوع ممکن، محتمل و مطلوب و در نظر گرفتن دو عرصه داخلی و خارجی با شش وضعیت متفاوت رو به رو خواهیم شد. هدف آینده ممکن در عرصه داخلی رسیدن به جامعه تراز اسلامی / ایرانی است و در عرصه خارجی دستیابی به جایگاه قدرت منطقه‌ای. در آینده محتمل در عرصه ملی تقابل دولت و ملت و در عرصه فراملی انزوای بین‌المللی قابل پیش‌بینی است. در آینده مطلوب در عرصه داخلی توسعه پایدار و در عرصه خارجی تأسیس تمدن نوین اسلامی / ایرانی در دسترس قرار می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای سیاسی / اجتماعی که عقبه فکری غنی‌ای دارد [گذشته] و در حال حاضر به صورت رسمی در بسیاری از جوامع اسلامی بویژه در خاورمیانه رواج و حضور مؤثر و تعیین‌کننده‌ای دارد [حال] باید برای ترسیم و تحقق چشم‌انداز پیش‌رو و تعیین موقعیت فردای انقلاب اسلامی نیز آمادگی لازم را کسب نماید [آینده]. لذا باید در سه سطح زمانی به شناخت دقیق، نقد، تجزیه و تحلیل عوامل موجهه، عناصر تقویت‌کننده، مسائل تهدیدزا و فرصت‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی پرداخت. بر این

اساس در این تحقیق ما با سه افق دیروز، امروز و فردای انقلاب اسلامی سر و کار داریم و تلاش می‌کنیم با کاربست دیدگاهی اکتشافی/انتقادی به ترسیم آینده مطلوب انقلاب اسلامی بپردازیم. ترسیم آینده مطلوب انقلاب اسلامی بدون امعان نظر به گذشته و حال آن امکان‌پذیر نیست، لذا در گام اول باید این سه مقطع زمانی را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد تا نسبت شرایط هر عصر و زمانه با انقلاب اسلامی سنجیده شود، اما پیش از آن یادآوری دو نکته ضروری می‌نماید:

الف - انقلاب اسلامی یک گفتمان فرهنگی است که با نیت تأسیس تمدن اسلامی در تقابل با تمدن غربی شکل گرفته است. این گفتمان دارای اصول، آرمانها و اهدافی است که با اصول، آرمانها و اهداف تمدن غربی تفاوت‌های اساسی دارد: «.....نباید شک کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست. هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه قیام و انقلاب...» (خمینی، ۱۳۶۸: ۵). مهمترین نقاط افتراق گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمانهای غربی در تلفیق جهان ماده با جهان فراماده است که در چهار محور؛ «معنویت»، «عدالت»، «هویت» و «نفی دوگانگی [بین ماده و معنا]» تجلی می‌یابد (برزگر، ۱۳۹۷: ۲۹).

ب - نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در واقع شکل سازمان‌یافته آرمانهای انقلاب اسلامی است لذا بین دو عنوان «انقلاب اسلامی» و «جمهوری اسلامی» نباید تفاوت چندانی قائل شد (عسکری، ۱۳۸۷: ۸۰) از این روی در تحقیق پیش‌رو تسامحاً این دو واژه معادل یکدیگر به کار گرفته شده‌اند.

الف: دیروز انقلاب اسلامی [خوانش ایدئولوژیک]: انقلاب اسلامی در ربع آخر قرن ۲۰ اتفاق افتاد. در این مقطع و پیش از آن، همه انقلابها و جنبشهای آزادیبخش و استقلال‌طلبانه حول سه اندیشه شکل گرفته بودند؛ لیبرالیسم، ناسیونالیسم و سوسیالیسم. ویژگی مشترک این مکاتب فقدان عنصر معنویت بود. از قضا همین عنصر معنویت در قالب اسلام و مذهب تشیع گرانگه انقلاب اسلامی قرار گرفت. اگر انقلابهای سابق برای تحقق آزادی یا عدالت منهای معنویت تکوین یافته بودند انقلاب اسلامی همزمان مترصد پاسخگویی به سه نیاز همیشگی بشر یعنی آزادی، عدالت و معنویت بود (افروغ، ۱۳۹۱: ۹).

بسیاری از اندیشمندان خارجی نیز درباره این ویژگی انقلاب ایران داد سخن داده‌اند. «انقلاب اسلامی پیچیده و اسرارآمیز می‌نماید. مساوات‌طلب است در عین حال سوسیالیست یا دمکراتیک نیست. رادیکال است اما سنتی هم به نظر نمی‌رسد. بیگانه‌گریز [یا بیگانه‌ستیز] است اما به ندرت انزواگراست» (فراستی، ۱۳۷۷: ۲۲۳-۲۱۷). میشل فوکو با اشاره به اهمیت عنصر معنویت، انقلاب اسلامی را روح یک جهان بی‌روح می‌نامد (فوکو، ۱۳۹۱: ۶۱) و مدعی است ما با معیارهای غربی نمی‌توانیم انقلاب ایران را شناسایی و تحلیل کنیم (نصری، ۱۳۸۷: ۴۵) زیرا این انقلاب از استانداردهایی

که تاریخ برای انقلابها تعریف کرده سرپیچیده است (قمری تبریزی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). تدا اسکاچپول نظریه پرداز معروف انقلابهای اجتماعی نیز مدعی است انقلاب ایران همه سازوکارهای ما در حوزه مطالعه انقلابها را زیر سؤال برده است (نصری، ۱۳۸۷: ۴۲).

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده‌ای منحصر به فرد که به دلیل محوریت معنویت، اخلاق و مذهب در قالب نظریه‌های کلاسیک انقلاب نمی‌گنجد حاوی دو ویژگی عمده است:

رد تعاریف غربی از واژگان مألوف عرصه سیاست و بازتعریف آن بر اساس مبانی تئولوژیک؛ به عنوان نمونه تعریف واژه انقلاب در قاموس انقلاب اسلامی چنین است: «انقلاب نوعی جهاد داخلی است که در آن جمعی برای خدا و گروهی برای کفر می‌جنگند» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۱: ۲۹). سید احمد فرید در تعریف انقلاب اسلامی می‌گوید؛ انقلاب اسلامی یعنی روی گرداندن از عالم شهادت و رو کردن به عالم غیب. او برای توصیف انقلاب اسلامی از واژه ساحت قدس استفاده می‌کند (عبدالکریمی، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

بازگشت به الهیات سیاسی که بر اساس آن خدا مالک و محور جهان هستی است نه انسان. به عبارتی انقلاب ایران نوعی چرخش از اومانیسیم و دموکراسی به الهیات و تئوکراسی بود.

در دهه های ۴۰ و ۵۰ که گفتمان انقلاب اسلامی در حال نضج گیری بود چند عامل باعث شکل گیری قرائت ایدئولوژیک از این گفتمان گردید از جمله حضور و هژمونی نظام پادشاهی که سرنگونی آن از اهداف اصلی انقلاب اسلامی به شمار می‌رفت. نفوذ رویکردهای مبارزاتی و باورهای سوسیالیستی که انقلاب، بخش جدایی ناپذیر مرام آنها بود، غلیان احساسات مذهبی مردم ایران در اثر تبلیغات گسترده و عاظ که طبقه مهمی از روحانیت شیعه و مورد حمایت مراجع تقلید بودند و در نهایت ظهور طبقه جدیدی از روشنفکران و نواندیشان دینی که با خوانش انقلابی برخی از اصول دینی و مذهبی و برجسته کردن بخشهایی از تاریخ اسلام، جامعه را به حالتی انقلابی و انفجاری درآورده بودند. همه این عوامل در یک مفصل‌بندی درونی زمینه‌ای را فراهم کردند که تنها قرائت موجود از انقلاب اسلامی، قرائت ایدئولوژیک انقلابی برانداز باشد.

ب : امروز انقلاب اسلامی [خوانش عملگرایانه]: برخی حوزه اثرگذاری انقلاب اسلامی را به دو عرصه داخلی و خارجی و شق دوم را به سه سطح منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌المللی تقسیم می‌کنند (درخشه، ۱۳۸۷: ۳۴۳). در یک تقسیم بندی دیگر؛ انقلاب اسلامی به عنوان فرستنده پیامی جدید در مجموع و به ترتیب اولویت و اهمیت دارای چهار دسته مخاطب است: مردم ایران، شیعیان خارج از کشور، امت اسلامی و مستضعفان جهان. آرمانهای انقلاب اسلامی به تناسب شرایط داخلی هر کدام از این جوامع هدف در لایه‌هایی از جوامع اسلامی / شیعی و مردم

ستم‌دیده و تحت سلطه جهان نفوذ یافته است. با این توضیح باید دانست انقلاب اسلامی، امروز در غرب آسیا ریشه‌های عمیقی دارد و در سه صورت‌بندی ظاهر شده است:

صورت‌بندی سیاسی: بازگشت مذهب به عرصه سیاسی صرف‌نظر از نگاه‌های فرقه‌ای، بزرگترین اثر انقلاب اسلامی بر افکار عمومی جهان بویژه جهان اسلام است. احیاء رویکرد دینی و بازگشت مذهب به عرصه سیاسی در کشورهای ترکیه، مصر، عراق، افغانستان، تونس می‌تواند نمونه‌های گویایی در این زمینه باشد.

صورت‌بندی فرهنگی: جمهوری اسلامی ایران انقلاب خود را نه یک انقلاب سیاسی که یک انقلاب معنوی و فرهنگی می‌داند. بر همین اساس و با تأکید بر اصول مسلم و جهانشمول اخلاقی سازوکار فرهنگی جدیدی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی طراحی و ارائه نموده است. این آموزه‌های فکری/ فرهنگی نه تنها برای جوامع اسلامی که بعضاً برای جوامع غیرمسلمان نیز جذابیت یافته‌اند. این جذابیت زمانی که با خدمات رفاهی، انساندوستانه و خیریه جمهوری اسلامی و بعضاً با سرمایه‌گذاری اقتصادی همراه بوده‌اند تأثیر عمیق‌تری بر جای گذاشته‌اند.

صورت‌بندی نظامی: اگرچه انقلاب اسلامی بن‌مایه‌های فرهنگی غنی‌تری دارد اما نباید از صبغه ایدئولوژیک آن غفلت ورزید. عنصر ایدئولوژی در ذات خود غیریت‌ساز است و جهان‌پیرامون را به دو بخش «با من» و «بر من» تقسیم می‌کند. این پیشفرض آمادگی دفاعی را نه تنها به یک نیاز که به یک ضرورت بدل می‌کند. این رویکرد به دلیل «استقرار» و «صدور انقلاب» دو جنبه داخلی و خارجی یافت. در جنبه داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی مقاومت بسیج مستضعفین مسئولیت پاسداری از موجودیت و دستاوردهای انقلاب اسلامی را بر عهده گرفتند. در جنبه خارجی گروه‌های جهادی و انقلابی که در حال مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم بودند را در بر گرفت که مهمترین آنها حزب‌الله در لبنان، حماس در فلسطین، حشدالشعبی در عراق، انصارالله در یمن و هستند.

در نگاهی اجمالی جمهوری اسلامی ایران از بُعد نظامی/ امنیتی در آستانه تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای است به نحوی که هرگونه صورت‌بندی در غرب آسیا و حتی در عرصه درونی بسیاری از کشورهای منطقه بدون حضور و مشارکت عناصر متمایل به انقلاب اسلامی امکان‌پذیر نیست، اما رسیدن به این موقعیت تنها با حفظ مرکزیت و تأمین حیات و موجودیت ام‌القرای انقلاب اسلامی یعنی نظام جمهوری اسلامی ممکن است. لذا برای پیشبرد اهداف و ترویج آرمانهای انقلاب اسلامی باید به تناسب شرایط، رویکردهای «ایدئولوژیک» را تعدیل کرد و با راهکارهای «عمل‌گرایانه» جایگزین نمود تا موجودیت مرکز صدور پیام انقلاب اسلامی به مخاطره نیفتد و به فراخور مقتضیات زمان آن را به رویکردهای نرم «مدنی» ارتقاء بخشید.

ج: فردای انقلاب اسلامی [خوانش مدنی]: انقلاب اسلامی

در نیم قرن گذشته به اثبات رسانده که از راه بازتولید اندیشه دینی، احساسات مذهبی و غیرت‌سازی توان قابل توجهی برای خلق موقعیتهای جدید و جلب و جذب مخاطبان جدید را دارد اما با آغاز هزاره سوم جغرافیای جهان و چهره جامعه جهانی تغییرات شگرفی یافت و تنگنایهای جدیدی گریبان انقلاب اسلامی را گرفت و در عین حال افقهای جدیدی نیز پیش‌روی انقلاب اسلامی گشوده شد. مهمترین عامل در ایجاد این تغییرات عمیق و گسترده پدیده جهانی شدن است، لذا باید این پدیده را بسیار دقیق شناخت. برای شناخت و معرفی «جهانی شدن» سه دیدگاه عمده وجود دارد:

- دیدگاهی که جهانی شدن را در قالب یک «پروژه» می‌بیند. بر این اساس جهانی شدن پروژه‌ای غربی/ امریکایی است و ماهیتی «تحمیلی» دارد که طی آن همه فرهنگها درون فرهنگی خاص مضمحل می‌شوند. این دیدگاه نگاه «سلبی» به جهانی شدن دارد (بایوردی و کرییمان، ۱۳۹۳: ۸۰).

- دیدگاهی که جهانی شدن را در قالب یک «پروژه» یا فرآیند می‌بیند. بر این اساس جهانی شدن پروسه‌ای تاریخی است که خارج از اراده بازیگران خاص شکل می‌گیرد و با مرور زمان تحول و تکامل می‌یابد. در این دیدگاه جهانی شدن ماهیتی «تعمیمی» دارد و در نهایت همه فرهنگهای جهان به فرهنگی واحد تبدیل می‌شوند. این دیدگاه نگاه «ایجابی» به جهانی شدن دارد (عباس زاده مرزبالی، ۱۳۹۵: ۶۹).

- دیدگاهی که جهانی شدن را در قالب یک «پدیده» می‌بیند. در این دیدگاه جهانی شدن همزمان قابلیت تبدیل شدن به پروسه و پروژه را دارد. در این دیدگاه جهانی شدن ماهیتی «دو سویه» دارد که طی آن می‌توان جهانی شدن را با حفظ مختصات محلی به عنوان فرهنگی جهانی پذیرفت. این دیدگاه نگاهی «خنثی» به جهانی شدن دارد (دهشیری، ۱۳۹۷: ۳۴۹-۳۴۸).

- در مواجهه با جهانی شدن سه واکنش متفاوت مشاهده می‌شود:

(الف) پذیرش و دنباله‌روی بی قید و شرط

(ب) مخالفت و طرد بی قید و شرط

(ج) رویارویی منطقی و اقتباس مشروط (فخار و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۵۱).

گفتمان انقلاب اسلامی از لحظه تکوین تا پیروزی و از پیروزی تا استقرار و از آن زمان تا کنون جهانی شدن را در معنی «پروژه» درک کرده است لذا همیشه نگاهی «سلبی» به آن دارد و از جانب آن احساس تهدید می‌کند. این نوع نگاه به جهانی شدن در برجستگی رویکردهای ایدئولوژیک در تدوین سیاستهای کلان انقلاب اسلامی نقش اساسی ایفاء کرده است.

تهدیدهای انقلاب اسلامی

تهدیدهای پیش‌روی انقلاب اسلامی ریشه در ذات و ماهیت آن دارد، زیرا فارغ از صورت‌بندی موجود در نظام جهانی شکل گرفته، رویکردی مستقل اتخاذ کرده و هژمونی قدرتهای جهانی را بر نمی‌تابد. از این روی، بخش عمده‌ای از تهدیدهای انقلاب اسلامی به ذات و ماهیت درونی آن و رویکردی که در قبال نظام جهانی در پیش گرفته است، باز می‌گردد: «نظام جمهوری اسلامی یک سخن‌نو را به میدان آورده؛ بر خلاف آنچه که تبلیغ می‌کنند و می‌گویند - که این تبلیغ هم باز از سوی دشمنان و مخالفین نظام جمهوری اسلامی است - جمهوری اسلامی دشمن تراش نیست، تشنج‌آفرین نیست، دعوا درست‌کن نیست، دنبال دردرس نیست. اگر دردرس‌ری وجود دارد ناشی از طبیعت نظام جمهوری اسلامی است. این طبیعت عبارت است از نگاه مستقل به مسائل عالم و تحت تأثیر قدرتها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل. این از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با «برگزیدگان استان کردستان» ۱۳۸۸/۲/۲۴) قابل دسترسی در <https://farsi.khamenei.ir/speech-con-tent?id=6820>. بر این اساس تهدیدهای پیش‌روی انقلاب اسلامی را می‌توان به دو بخش مستقل درونزا [داخلی] و وابسته برونزا [خارجی] تقسیم نمود و هر کدام را در بستر زمانی گذشته، حال و آینده بررسی نمود که به جهت رعایت اختصار تنها به موارد داخلی و خارجی در آینده اشاره خواهد شد.

الف: تهدیدها در عرصه داخلی معطوف به آینده

در کتاب درآمدي تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران به ۵ عامل تهاجم فرهنگی، سکولاریسم، نابرابری اجتماعی، مشکلات اقتصادی و علوم انسانی به عنوان مهمترین تهدیدهای داخلی انقلاب اسلامی اشاره شده است (عیوضی و هراتی، ۱۳۸۹: ۲۰۸-۲۰۵). همچنین در کتاب چالش‌های سیاسی پیش‌روی انقلاب اسلامی ۴ عامل سکولاریسم، ملی‌گرایی افراطی، ارتجاع و غرب‌گرایی مهمترین عوامل فرهنگی تهدیدزا برای آینده انقلاب اسلامی معرفی شده‌اند (عیوضی، ۱۳۸۸: ۲۹۳-۲۸۶). عماد افروغ در کتاب گفتارهای انتقادی چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی را چنین بر می‌شمارد؛ تئوریزاسیون بد و عدم بازتولید انقلاب اسلامی، بحران هویت و سرگردانی بین ملیت و مذهب، چالش سنت/ مدرنیته و رویارویی با موج جهانی شدن، تفاوت ماهیت روشنفکری ایران با اهداف انقلاب اسلامی، چالش‌های اقتصادی / اجتماعی (افروغ، ۱۳۸۵: ۱۱۰-۱۰۴). تهدیدهای آینده در عرصه داخلی را می‌توان به سطوح و لایه‌های متعددی از جمله تهدیدهای ذهنی و عینی و سطح بندی خرد، میانی و کلان تقسیم‌بندی نمود که به عنوان

نمونه به دو دسته تهدیدهای ذهنی و عینی اشاره می‌شود:

۱. تهدیدهای ذهنی: تقابل قرائت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی با مطالبات مدنی شهروندان، تقابل تئوکراسی با دموکراسی یا پارادوکس اسلامیت و جمهوریت، تقابل هنجارها و ارزشهای دینی و انقلابی با هنجارها و ارزشهای مدنی جهانی (دیرنیا، ۱۳۹۷: ۹۰). بر اساس نتایج تحقیق مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی تحت عنوان؛ «عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاستهای حجاب و راهکارهای پیش رو» در مجموع حدود ۶۵ درصد از بانوان ایرانی طرفدار حجاب عرفی و حدود ۳۵ درصد طرفدار حجاب شرعی هستند (کلهر و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). البته با گذشت ۵ سال از تحقیق فوق و تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی این سالها بویژه تشهای نیمه دوم سال ۱۴۰۱ این تناسب با سرعتی غیرقابل پیش‌بینی به نفع حجاب عرفی / بی‌حجابی تغییر ملموسی داشته است.
۲. تهدیدهای عینی: تقابل جامعه مدنی با شاکله دولت جمهوری اسلامی ایران، قطبی شدن جامعه، بحران در عرصه اقتصاد، اجتماع، فرهنگ، دانش و محیط زیست، مهاجرت، فرار سرمایه و تعطیلی بنگاههای اقتصادی، بیکاری و پیامدهای اجتماعی آن، سیر نزولی ازدواج و کاهش مولید، سیر صعودی طلاق، افزایش سالمندان، بحران آب و محیط زیست، اتمی شدن جامعه^۵، کاهش امید به زندگی، عدم مشارکت در فرآیندهای سیاسی، فعال شدن شکافهای اجتماعی بویژه شکاف بین فقیر و غنی؛ بر این اساس سهم ۲۰٪ ثروتمندترین به ۲۰٪ فقیرترین افراد در سال ۱۳۹۰ رقم ۶/۸ بوده که در سال ۱۳۹۸ به عدد ۸ رسیده یعنی این شکاف ۱/۲ واحد عمیق‌تر شده است. همچنین سهم ۴۰ درصد ثروتمندترین افراد به ۴۰ درصد فقیرترین افراد در سال ۱۳۹۰ رقم ۳/۸ بوده که در سال ۱۳۹۸ به ۴/۴ رسیده یعنی این شکاف ۰/۶ واحد عمیق‌تر شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹: ۲۵).

ب: تهدیدها در عرصه خارجی معطوف به آینده

مهمترین عامل تهدید در عرصه خارجی نوع رویکرد نظام در قبال صدور آرمانهای انقلاب اسلامی است. آرمانهای انقلاب اسلامی دارای پتانسیلی عظیم جهت ایجاد تحریک در ملل منطقه را دارند. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب درباره قابلیت اثرگذاری انقلاب اسلامی گفته است: «این انقلاب [انقلابی] نیست که در درون مرزهای ایران بماند و یا از منطقه فراتر نرود. این انقلاب خاورمیانه و حتی سراسر جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد» (حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۱). لذا برای کاربست این مزیت نسبی و دستیابی به آن هدف

متعالی باید راهبردی کلان، بلندمدت، ورزیده و منعطف طراحی نمود و با رویکردی عقلانی آن را به مرحله اجرا درآورد.

تهدیدهای عرصه خارجی طیف وسیعی از مؤلفه‌های متنوع و متکثر ذهنی و عینی از جمله تعمیق و گسترش پدیده جهانی شدن، گسترش تکنولوژی اطلاعات و دسترسی به دورترین مخاطبان، پیچیدگی رسانه و هژمونی شبکه‌های مجازی، افزایش سویه‌های رادیکال از دموکراسی در خاورمیانه، همگرایی آشکار و پنهان کشورهای منطقه با اسرائیل در خاورمیانه، تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی ایران در سازمانهای بین‌المللی، حذف تدریجی جمهوری اسلامی ایران از اقتصاد بین‌الملل و انزوای پولی، مالی، صنعتی و تکنولوژیک و... را در بر می‌گیرند، اما به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- تحریمهای چندلایه اقتصادی.

- مسئله فنآوری هسته‌ای.

- جهانی شدن.

- جنگ نرم (عیوضی، ۱۳۸۹: ۲۱۳-۲۰۹) و در ادامه می‌توان به مباحث صلح خاورمیانه، حقوق بشر و فنآوری موشکی نیز اشاره نمود.

آینده پیش‌روی انقلاب اسلامی

با توجه به چالشهای فوق و سایر شرایط مرتبط با آینده، انقلاب اسلامی با سه رویکرد مواجه است؛

- تضعیف آرمانهای انقلاب اسلامی. این رویکرد زمانی نتیجه بخش خواهد بود که نقاط ضعف داخلی با فشارهای خارجی به همگرایی و هم‌افزایی برسند.

- تعدیل آرمانهای انقلاب اسلامی. این رویکرد زمانی مؤثر خواهد بود که فشارهای خارجی از حمایت‌های داخلی پیشی بگیرند.

- تقویت آرمانهای انقلاب اسلامی. این رویکرد برای زمانی مناسب است که اعتماد به نفس، کارآمدی و حمایت‌های داخلی بر تحریمها، تهدیدها و توطئه‌های خارجی فائق آید.

در قبال این سه رویکرد رقبای فکری انقلاب اسلامی نیز سه رویکرد طراحی و اجرا نموده‌اند شامل:

- مهار انقلاب اسلامی یا کنترل رفتار آن [نرمالیزاسیون]؛ در این رویکرد انقلاب اسلامی برای نظام مسلط جهانی مزاحمتی ایجاد نمی‌کند، لذا می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

- استحاله انقلاب اسلامی یا تغییر رفتار آن [ترمیدور]؛ در این رویکرد از آرمانهای انقلاب اسلامی پوسته‌ای بیش نمی‌ماند و از محتوا خالی می‌شود، لذا این دگردیسی محتوایی به تغییر رفتار انقلاب اسلامی می‌انجامد.

- تغییر رژیم یا براندازی جمهوری اسلامی ایران؛ در این رویکرد گفتمان انقلاب اسلامی نه تنها آرمانهای خود را حفظ می کند که آن را اشاعه نیز می دهد به همین منظور با نظام سلطه دچار چالش می شود لذا استکبار جهانی علیه آن متحد می شود تا آن را سرنگون نماید. در کشمکش بین عوامل درونزا و برونزای مؤثر بر آینده انقلاب اسلامی در سه سطح ملی، منطقه ای و جهانی صاحب نظران چهار سناریو برای آینده انقلاب اسلامی در نظر گرفته اند:

۱- سناریوی مثبت؛ تبدیل جمهوری اسلامی ایران به قدرت منطقه ای؛ در این سناریو انقلاب اسلامی رویکردی «تهاجمی» دارد و رویکرد غرب «مهار» انقلاب اسلامی است.

۲- سناریوی خنثی؛ در این سناریو جمهوری اسلامی تحت تأثیر فشارهای سیاسی و اقتصادی داخلی و بین المللی رویکردی «تدافعی» پیش می گیرد و متناسب با آن رویکرد غرب نیز خواهان «تغییر رفتار» انقلاب اسلامی است.

۳- سناریوی منفی؛ در این سناریو مردم هنجارهای جهانی را بر آرمانهای انقلاب ترجیح می دهند و دست از حمایت می کشند لذا جمهوری اسلامی در موضع «ضعف» قرار می گیرد. در این سناریو رویکرد غرب «استحاله» و هضم انقلاب اسلامی در فرهنگ جهانی است.

۴- سناریوی سیاه؛ در این سناریو همزمان آرمانهای انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دچار «ضعف مفراط» می شوند. این وضعیت در ترکیب با فشارهای بین المللی، جمهوری اسلامی را در موضع درماندگی قرار می دهد. رویکرد غرب در این سناریو «براندازی» و تغییر رژیم است (عیوضی، ۱۴۰۰: ۱۰).

با ذکر این مقدمه و با در نظر گرفتن عوامل افزاینده انقلاب اسلامی و عوامل کاهنده آن در دو عرصه داخلی و خارجی می توان سه آینده ممکن، محتمل و مطلوب را در سه زمینه فکری، داخلی و خارجی چنین ترسیم نمود:

سه آینده ممکن، محتمل و مطلوب در عرصه داخلی

الف: آینده ممکن در عرصه داخلی (جامعه تراز اسلامی / ایرانی)؛ انقلاب اسلامی در کشوری روی داد که به لحاظ داخلی با شکافهای متعدد فکری / فلسفی، سیاسی و اجتماعی دست به گریبان بود. در حوزه فکری / فلسفی کشمکش سنت و مدرنیته، در عرصه سیاسی مبارزه آزادیخواهان با استبداد و در عرصه اجتماعی شکاف بین طبقات فرادست و فرودست، شکاف بین اقوام، شکاف بین مرکز و پیرامون و... کار را برای هر سیستم حکومتی و هر زمامداری دشوار می کرد، لذا جمهوری اسلامی برای ساختن جامعه ای نمونه و تراز اسلامی / ایرانی ابتدا باید بتواند شکافهای فوق را ترمیم نماید یا آن را به حداقل ممکن برساند تا بتواند پایه های جامعه نمونه اسلامی / ایرانی

را بڼا نهد.

رسیدن به این هدف مستلزم کاربست رویکردی عملگرایانه و اولویت بخشیدن به توسعه همه‌جانبه و در رأس همه عدالت اجتماعی و ارزشهای مدنی از جمله آزادیهای سیاسی/ اجتماعی است. جمهوری اسلامی ایران در راستای تأسیس جامعه تراز اسلامی/ ایرانی باید به شیفت پارادایمیک در نظام بین‌الملل از ژئوپولیتیک به ژئواکونومیک پی ببرد و به اهمیت اقتصاد و الزامات آن در ایجاد توسعه پایدار توجه ویژه داشته باشد. با پیشی گرفتن ژئواکونومی از ژئوپولیتیک در صورت‌بندی نظام جهانی در کنار افزایش تولیدات صنعتی در جهان، تولید، مصرف و انتقال انرژی جایگاه برجسته‌تری یافته است، لذا با عنایت به اینکه عمده منابع انرژی و راههای انتقال آن شامل راههای دریایی، زمینی و خطوط لوله در خاورمیانه قرار دارند این منطقه به هارتلند جدیدی تبدیل شده است که جمهوری اسلامی به صورت طبیعی می‌تواند از فرصتهای حاصل از این تحولات در راستای توسعه کشور بهره‌مند گردد.

هارتلند به عنوان یک مفهوم ژئوپولیتیک می‌تواند به این معنی باشد که یک مکان یا یک فضای جغرافیایی از حیث نقش آفرینی سیاسی [و مآلا اقتصادی] آن چنان قوی عمل کند که بتواند تأثیر جهانی داشته باشد یا سیاستهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد و یا اینکه بر فرآیندهای جهانی اثر بگذارد [و در راستای منافع ملی خود] به آنها شکل بدهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۱). با در نظر گرفتن موارد فوق چنانچه امروزه خاورمیانه هارتلند جهان معاصر باشد بی‌تردید فلات ایران هارتلند خاورمیانه است و این موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک فرصتی تاریخی و بی‌بدیل را در اختیار جمهوری اسلامی ایران گذاشته تا برای توسعه و ترقی کشور و منطقه خاورمیانه و ظهور به عنوان بازیگری مهم و سازنده در نظام جهانی از آن بهره‌مند گردد.

ب: آینده محتمل در عرصه داخلی (تقابل دولت و ملت)؛ همانگونه که پیشتر اشاره شد جمهوری اسلامی در عرصه داخلی با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مواجه است. این مشکلات زمانی که با تنگناهای بین‌المللی همراه شوند قدرت تخریبی مضاعفی خواهند یافت. از این روی و با توجه به بروز ابربحرانهای مشروعیت، کارآمدی و عدالت اجتماعی در بدنه بروکراسی نظام از یکسو و افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی از سوی دیگر، نظام جمهوری اسلامی فعالیتهای فراملی خود را محدود خواهد ساخت و بر مدیریت و کنترل عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در داخل کشور تمرکز خواهد نمود. نتیجه این تمرکز تعمیق بیشتر شکافهای صدرالاشاره بویژه رویارویی اسلامیت و جمهوریت و علاوه بر آن کاهش سرمایه اجتماعی در سطح کلان است که سرانجام به تقابل دولت و ملت بویژه با نسل جوان

خواهد انجامید. دعوای این نسل با دولت و جامعه به تعبیر اکسل هونت^۸ بر سر «شناسایی» [یا به رسمیت شناخته شدن] است. نسل جدید از دیده نشدن، به حاشیه رانده شدن و تحت سلطه نظام ارزشی نسلهای گذشته قرار گرفتن و زیر سؤال رفتن عزت نفس خود خسته شده‌اند (نوروزپور، ۱۳۹۶: ۱۹۲) لذا مستعد تنش و تقابل هستند.

ج: آینده مطلوب در عرصه داخلی (هم افزایی اسلامی و جمهوریت با هدف توسعه پایدار)؛ انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی حقیقتی واحد را تشکیل می‌دهند، اما عرصه عمل آنها متفاوت است. جمهوری اسلامی بر قلمرو ملی تمرکز دارد، اما انقلاب اسلامی محدودیت جغرافیایی ندارد و در هر جا که پیام آن شنونده داشته باشد وارد عمل می‌شود به همین دلیل موفقیت در عرصه داخلی پیش‌نیاز کامیابی در عرصه منطقه‌ای و جهانی است. انقلاب اسلامی چنانچه بخواهد پیام خود را در عرصه جهانی بویژه در کشورهای اسلامی انتشار دهد باید نخست به وضعیت داخلی خود سر و سامان بدهد و از دو جهت آمادگی قابل قبولی کسب نماید؛

اولا در عرصه ملی در سایه انسجام درونی، وفاق ملی و توافق بر آرمانهای مشترک انقلاب اسلامی بویژه تعادل و توازن بین اسلامیت و جمهوریت دارای ثبات و آرامش سیاسی و اجتماعی باشد. ثابا در بستر آرامش بوجود آمده با مشارکت نخبگان، زمینه توسعه پایدار کشور را فراهم نماید تا شهروندان سایر کشورهای جهان بویژه جوامع اسلامی از پیشرفتهای چنین جامعه‌ای الگو بگیرند و نسبت به پذیرش پیام انقلاب اسلامی از خود نرمش و استقبال نشان دهند. از قضا در خصوص مورد اخیر یعنی ایجاد توسعه، جمهوری اسلامی ایران از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردار است. منطق ژئواکونومیک حکم می‌کند کشوری که با ۱۵ کشور دیگر همسایه است، بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر مرز خشکی و بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد؛ به انواع دریای بسته [خزر]، دریای نیمه‌باز [خلیج فارس] و دریای باز [دریای عمان] و اقیانوس [هند] دسترسی دارد و جزو برترین تولیدکنندگان انرژی است، از زیرساختهای مناسب حمل و نقل و موقعیت مبادله‌ای منحصر به فردی برخوردار است باید جزو کشورهای توسعه یافته و ثروتمند جهان باشد.

ایران به تنهایی ۸/۳ درصد از ذخایر نفت خام و ۱۶ تا ۱۸ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در قلمرو خود جای داده است (حافظ‌نیا و ربیعی، ۱۳۹۸: ۸۷). ایران در مرکز منطقه‌ای قرار دارد که برخی آن را تخم مرغ انرژی^۹ نامیده‌اند؛ حدود ۹۴ درصد ذخایر ثبت شده جهانی نفت و بیش از ۴۴ درصد از منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه‌ای تخم مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی محصور گردیده است (قصاب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹) که ایران در مرکز آن قرار دارد.

8. Axel Honneth

9. Energy Ellipse

سه آینده ممکن، محتمل و مطلوب در عرصه خارجی:

الف: آینده ممکن در عرصه خارجی (ظهور در قامت قدرت منطقه‌ای)؛
با در نظر گرفتن عوامل متعدد و متنوع تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی از جمله قرار گرفتن فلات ایران بین چهار تمدن اروپا و آفریقا در غرب و هند و چین در شرق، قرار داشتن بین سه دریای خلیج فارس، دریای عمان و خزر، قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم، قرار داشتن مهمترین و غنی‌ترین منابع انرژی در شمال و جنوب آن، قرار داشتن در مسیر انتقال انرژی از شرق به غرب و از شمال به جنوب، برخورداری از پیشینه کهن تاریخی، فرهنگی و دینی، برخورداری از تمدن اسلامی و فرهنگ شیعی، مردم متمدن، صلح‌جو و روادار، حضور جوانان متخصص و دانش‌آموخته، وفور روشنفکران، پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه‌های گوناگون این امکان را برای جمهوری اسلامی فراهم کرده است که با تمرکز بر توسعه داخلی و اولویت بخشیدن به جامعه اسلامی نمونه داخلی پیش از تحقق سروری امت اسلامی در سراسر جهان به کشوری آباد، آرام، توسعه‌یافته، ثروتمند و باثبات تبدیل شود. معنی دیگر چنین آینده‌ای ظهور یک قدرت منطقه‌ای جدید دارای اعتماد به نفس کافی و حمایت و پشتیبانی مکفی و مستمر داخلی است.

ب: آینده محتمل در عرصه خارجی (انزوای بین‌المللی)؛ اگر چه مزیت‌های صدرالاشاره شرایط مطلوبی را برای پیشرفت مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده است اما بعضاً اولویت بخشیدن به صدور انقلاب اسلامی با رویکرد ایدئولوژیک بر توسعه ام‌القری یا پیگیری همزمان هر دو هدف شرایطی را به وجود آورده که انقلاب اسلامی در غرب آسیا و فراتر از آن دوستان و دشمنان بسیاری پیدا کرده است. دوستان انقلاب اسلامی که محور مقاومت را تشکیل می‌دهند عمدتاً دولتهایی هستند که با حضور گروه‌های جهادی در این کشورها نیازهای آنها مضاعف می‌شود و این مسئله هزینه‌های مالی، حقوقی و سیاسی قابل توجهی را متوجه انقلاب اسلامی می‌نماید.

از سوی دیگر رقبای منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی که آرمانهای انقلاب اسلامی را معارض با منافع خود می‌بینند با استفاده از اهرم‌های در اختیار مانع تحقق اهداف جمهوری اسلامی یعنی دستیابی همزمان به توسعه داخلی و صدور انقلاب اسلامی می‌شوند. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی بر سر یک دو راهی تاریخی قرار خواهد گرفت. جمهوری اسلامی با انتخاب اولویت حفظ نظام، تعدیل آرمانهای انقلاب و تمرکز بر توسعه داخلی می‌تواند به عنوان کشوری رو به توسعه به جامعه جهانی برگردد و مناقشات پیشین با قدرتهای منطقه‌ای و جهانی را حل و فصل نماید در غیر این صورت با طرد از سوی نظام جهانی و انزوای بین‌المللی رو به رو می‌شود.

ج: آینده مطلوب در عرصه خارجی (پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی)؛ انقلاب اسلامی از ساختاری تمدن‌ساز برخوردار است زیرا ساختار آن در ذیل تمدن بزرگ اسلامی تعریف می‌شود (عسکری، ۱۳۸۷: ۱۱۳). محمدرحیم عیوضی تمدن نوین اسلامی را چنین تعریف می‌کند: «تمدن نوین اسلامی حاصل اتصال انسانها به معانی حقیقی است و آن معانی در مقاطع تاریخی مختلف از طریق ساحت‌های مختلف شهود، عقل و تجربه انسانها، باز تولید، درک و به اشتراک گذاشته می‌شوند» (بشیر و غیاثی، ۱۳۹۹: ۲۰). آنگونه که در اصول ۳ و ۱۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز انعکاس یافته است این انقلاب اهداف بلندمدتی دارد؛ یکی از اهداف عمده انقلاب اسلامی رساندن پیام آن به سراسر جهان است لذا امام خمینی در این باره می‌گوید: «ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم.....» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۲). به عبارتی انقلاب اسلامی در راهبرد کلان خود در صدد پی‌ریزی یک تمدن نوین اسلامی است که بتواند بر اساس قاعده نفی سبیل هم از زیر یوغ استکبار جهانی آزاد شود و هم بتواند پیام خود را که ابتناء زندگی بشر بر معنویت است به گوش جهانیان برساند و برای مدیریت جهان طرح و برنامه ارائه نماید. رسیدن به چنین تمدنی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری مستلزم طی مراحل است که به ترتیب عبارتند از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است» (شاکری و مولوی، ۱۳۹۷: ۱۰۵) «خط کلی نظام اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی است این حرکت عظیم نظام اسلامی حرکت به سمت آن آینده آرمانی است یعنی تمدنی که در آن علم همراه با اخلاق است، پرداختن به مادیات همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی همراه با عدالت است» (شاکری و مولوی، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

بحث و نتیجه گیری

آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی به عنوان موضوعی راهبردی که به سه مسئله مهم بقاء، تداوم و تحقق اهداف اشاره دارد امری عقلانی و ضروری است. برای تحقق این فرآیند ما با مجموعه‌ای از عوامل و عناصر متعدد، متکثر و متداخل مواجهیم. روندها، رویدادها، تصاویر و اقدامات در بستری از سه زمان گذشته، حال و آینده و تقسیم‌بندی زمان آینده به سه بدیل ممکن، محتمل و مطلوب که باید در دو سطح داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرند مواد خام مطالعه ما به شمار می‌روند. علاوه بر آن و با توجه به ارتباط وثیق تصویر زمان آینده به تحولات زمان حال و ارتباط تنگاتنگ تحولات زمان حال به رویدادهای زمان گذشته و سیر تکاملی این سلسله تحولات ضروری است افق فکری حاکم بر این سه مقطع زمانی یعنی سه

رویکرد ایدئولوژیک، عملگرا و مدنی نیز مورد عنایت قرار گیرند. بر این اساس، ما برای آینده نگاشت انقلاب با فضایی چندضلعی و چندبُعدی روبه رو هستیم که با تحلیل آن باید تصویر آینده انقلاب اسلامی را ترسیم نماییم. این فضای پیچیده را می‌توان ذیل سه متغیر دسته‌بندی کرد. متغیر مستقل که عنصر زمان است، متغیر وابسته که انقلاب اسلامی است و متغیر مداخله‌گر که شرایط ملی و فراملی است. مهمترین عنصر در این روند خود انقلاب اسلامی است. پدیده‌ای فکری، فرهنگی و سیاسی که با زیر سؤال بردن بن‌مایه‌های تمدن غربی از جمله اومانیزم، سکولاریسم، دموکراسی و... چهارچوب جدیدی مبتنی بر معنویت، تئوکراسی و ملازمت دین و سیاست و حکومت ارائه نموده است. دومین عنصر تعیین کننده زمان است. گفتمان انقلاب اسلامی مانند هر پدیده تاریخی دیگر پس از گذشت ۵ دهه از عمر آن علاوه بر اثرگذاری بر محیط از آن تأثیر نیز پذیرفته و دچار تحولات عمیق درونزا و برونزای نرم و سخت شده است. سومین عنصر تحولات عمیق در عرصه داخلی و بین‌المللی است. با در نظر گرفتن این عوامل و عناصر و توجه به دو سطح داخلی و خارجی برای آینده انقلاب اسلامی می‌توان ۶ تصویر متفاوت را فرارو داشت. این تصاویر فرضی تابعی از بکارگیری سه رویکرد ایدئولوژیک، عملگرایانه و مدنی است. در آینده ممکن در صورت کاربست رویکرد عملگرا به جای رویکرد ایدئولوژیک و کاهش تنشهای حاصل از آن، انقلاب اسلامی می‌تواند در عرصه داخلی در قامت جامعه تراز اسلامی/ ایرانی و در عرصه خارجی در قامت یک قدرت منطقه‌ای مصالحه‌جو ظاهر شود.

در آینده محتمل در صورت ترجیح قرائت ایدئولوژیک بر قرائت عملگرا، انقلاب اسلامی در عرصه داخلی با شکاف دولت/ ملت و در عرصه خارجی با انزوای بین‌المللی و عواقب آن مواجه خواهد شد. در آینده مطلوب، انقلاب اسلامی در عرصه داخلی چنانچه افکار عمومی و جامعه مدنی را به رسمیت بشناسد و از طریق کاربست نظریه اقناع پاسخگوی مطالبات آنان باشد و بتواند از راه برقراری گفتگو مردم را قانع و با خود همراه سازد زمینه همگرایی دولت و ملت فراهم خواهد شد و در نتیجه این همگرایی توسعه پایدار جمهوری اسلامی ایران محقق خواهد شد.

در عرصه خارجی نیز انقلاب اسلامی چنانچه برای صدور آرمانهای خود قدرت نرم دیپلماسی فرهنگی را جایگزین رویکرد سخت ایدئولوژیک/ نظامی نماید می‌تواند با ارائه چهره‌ای معتبر، انسانی و روادار از خود در افکار عمومی جهان، نفوذ در اذهان و در نهایت نگرش شهروندان و تأثیرگذاری غیرمستقیم بر سیاستهای دولتهای خارجی در قبال جمهوری اسلامی ایران نه تنها به ترمیم چهره بین‌المللی انقلاب و رفع سوء تفاهمات کنونی مبادرت ورزد که از معاضدت و مشارکت بسیاری از مردم، جوامع و دولتها برای پی‌ریزی «تمدن نوین اسلامی» بهره‌مند گردد.

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۸۵)، گفتارهای انتقادی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- افروغ؛ عماد(۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن، چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- بایوردی، اسماعیل و علیرضا کریمیان (۱۳۹۳)، «جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر هویت ملی ایران»، پژوهشنامه روابط بین الملل، دوره ۷، شماره ۲۸، اسفند ۱۳۹۳، ۱۰۲ - ۷۷.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۷)، «انقلاب اسلامی و تمدن سازی؛ نقشه راه، مسیر رفته و مسیر باقیمانده»، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی از نظریه تا عمل، صص ۳۶ - ۱۷.
- بشیر، حسن و هادی غیائی فتح آبادی (۱۳۹۹)، «چالشهای تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱ (پیاپی ۵)، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۸-۱.
- جعفری هفت خانی، نادر و محمدرضا کوهکن (۱۳۹۸)، «آسیبها و موانع تحقق مردمی سازی دیپلماسی فرهنگی در ایران؛ یک پژوهش کیفی»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال ۹، شماره اول، پیاپی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۰ - ۳۱.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۳۶)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا و حسین ربیعی (۱۳۹۸)، مطالعات منطقه ای خلیج فارس، چاپ سوم تهران: انتشارات سمت.
- حشمت زاده، محمدباقر (۱۳۸۷)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حیدری، امیر هوشنگ (۱۳۹۳) «مبانی و مفاهیم آینده پژوهی»، فصلنامه ترویج علم، سال ۵ شماره ۷ پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۹۶ - ۸۱.
- خانی، محمدحسن (۱۳۸۵)، «نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تأکید بر سیاست خارجی امریکا»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی؛ رویکردی ایرانی، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، صص ۲۴۰-۲۲۵.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، وصیت نامه، چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت ارشاد.
- دبیرنیا، علیرضا (۱۳۹۷)، «جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ حاکمیت دو گانه یا واحد؟»، مجله پژوهشهای حقوق طبیعی، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۰۴ - ۸۴.
- درخشه، جلال (۱۳۸۷)، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: khamenei.ir

- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷)، «انقلاب اسلامی و جهانی شدن؛ از نظریه تا عمل»، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی از نظریه تا عمل، صص ۳۶۵ - ۳۴۷.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، «اقتناع؛ غایت ارتباطات»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، خرداد ۱۳۸۳، صص ۱۱۵ - ۹۳.
- سیمیر، رضا (۱۳۹۷)، «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی؛ از نظریه تا عمل»، مجموعه مقالات همایش انقلاب اسلامی در منظومه فکری امام خمینی از نظریه تا عمل، صص ۲۹۵ - ۲۷۳.
- شاکری زواردهی، روح الله و عیسی مولوی وردنجانی (۱۳۹۷)، «آینده پژوهی انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین دینی با تأکید بر اندیشه آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۰ - ۹۹.
- صالحی امیری، سیدرضا و سعید محمدی (۱۳۹۲)، دیپلماسی فرهنگی، چاپ دوم، تهران: نشر ققنوس.
- صفایی نژاد، قاسم (۱۳۹۴)، «نظریه‌های اقتناع و کاربرد آن در رسانه‌ها»، فصلنامه مدیریت رسانه، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۹۴، صص ۳۸ - ۲۳.
- طالبی، اکرم و محمدعلی نعمتی (۱۳۹۶) «آینده‌نگاری مشارکتی؛ راهبردی اثربخش در سیاست‌گذاری نهاد دانشگاه»، سیاست نامه علم و فناوری - دور ۷۵، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۴ - ۱۸.
- عباس زاده مرزبالی، مجید (۱۳۹۶)، «چالش‌های هویت ملی در عصر جهانی شدن (با نگاهی به ایران)»، فصلنامه سیاست پژوهی، دوره ۴، شماره ۶، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۰۸ - ۶۷.
- عبدالکریمی، بیژن (۱۳۹۴)، هایدگر در ایران؛ نگاهی به زندگی، آثار و اندیشه‌های سید احمد فریدید، چاپ دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران با همکاری مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- عسکری، علی (۱۳۸۷)، «آینده انقلاب، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۱) انقلاب اسلامی ایران؛ علل، مسائل و نظام سیاسی، قم: دفتر نشر معارف.
- عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی (۱۳۸۹)، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی، قم: نشر معارف.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸)، چالش‌های سیاسی پیش‌روی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰)، مطالعات پشتیبان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ آینده پژوهی انقلاب اسلامی، تهران: الگوی پیشرفت.
- کلهر، سینا و ریحانه رحمانی‌پور و آسیه ارحامی (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیش رو»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، صص ۴۰ - ۱.

- فخار، جلیل و محمدرضا دهشیری، مسعود مطلبی و محمدرضا کمالی زاده (۱۴۰۰)، «جهانی شدن و تاثیر آن بر هویت ملی و جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۳، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۰، صص ۵۶۸-۵۴۷.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۷)، رهیافتهای نظری بر انقلاب اسلامی، قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.
- فوکو، میشل (۱۳۹۱)، ایران؛ روح یک جهان بی روح، ترجمه نیکو سرخوش، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- قصاب زاده، مجید و محمد اخباری و داود حسن آبادی (۱۳۹۸)، «تحلیل جغرافیایی ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا»، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرشهای نو در جغرافیای انسانی سال دوازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۴۹-۱۳۳.
- قمری تبریزی، بهروز (۱۳۹۸)، فوکو در ایران، ترجمه سارا زمانی، چاپ دوم، تهران: نشر ترجمان علوم انسانی.
- متولی، کاظم (۱۳۸۴)، افکار عمومی و شیوه های اقناع، چاپ اول، تهران: انتشارت بهجت.
- مجد، امید و شفق غلامی شعبانی (۱۳۹۸)، «روشهای اقناع مخاطب در گلستان سعدی، زبان و ادبیات فارسی» (دانشگاه خوارزمی)، سال ۲۷، بهار و تابستان ۹۸، شماره ۳۱، صص ۱۷۹-۱۹۳.
- محمودی، بهزاد (۱۳۸۵)، «معرفی آینده پژوهی و روشهای آن»؛ سلسله گزارشات آینده پژوهی - شماره ۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهشهای اقتصادی، کد گزارش: ۲۰-۸۵-۲۰-۱، صص ۲۶-۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۹)، شاخصهای عدالت اجتماعی.
- نصری، محسن (۱۳۸۷) ایران؛ دیروز، امروز، فردا، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، چاپ اول، قم: دفتر نشر معارف.
- نوروزپور، مرتضی (۱۳۹۶)، «تحلیل اعتراضهای سیاسی دیماه ۱۳۹۶»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۴، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۲۰-۱۸۵.
- Bell, W. (1997), *Foundation of Futures Studies: History, Purposes and knowledge*. Newbrunswick and London: Transaction Publishers.
- Purezzat, A. A., Mollae, A. and Firuzabadi, M. (2008), "Building the Future: Undertaking Proactive Strategy for National outlook". *Futuers*, 40(10): 887 – 892.